

برگناره

www.ketab.ir

نصرت الله كمرائيان

کسرائیان، نصرالله. ۱۳۳۳ - ، عکاس.
 برگزیده / نصرالله کسرائیان؛ [تهران]: آگه، ۱۳۸۴.
 ISBN 964-329-120-0 ۵۶ ص: لوح مصور (رنگی).
 N. Kasraian; *Withdrawn*. پشت جلد به انگلیسی:
 فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی بیش از انتشار).
 ۱. عکس‌ها - ایران. الف. عنوان.
 ۴ ب ۵ ک / ۶۵۳ TR ۷۷۹/۰۹۵۵
 کتابخانه ملی ایران ۸۴-۸۰۱۳ م



برگزیده

نصرالله کسرائیان

چاپ یکم: پاییز ۱۳۸۴، لیتوگرافی فرایندگویا، چاپ سبز (رنگ)، صحافی سکه

شمارگان: ۳,۳۰۰ نسخه

قیمت: ۵,۵۰۰ تومان

نشر آگه

خیابان ابوریحان، خیابان روانمهر، شماره ۴۷، تهران ۱۳۱۵۶

تلفن: ۶۴۶۴۹۳۵، فکس: ۶۴۰۲۳۳۹ - E.mail: agah@neda.net

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

استفاده از عکس‌های این کتاب، به هر صورتی، مستلزم کسب اجازه کتبی از عکاس است.

لحظات خموشی می‌گزینند
و اشیاء صبورانه سخن خواهند گفت.
جزاره پاوره^۱

اگر این همه فاصله نیفتاده بود شاید این چند سطر را هم نمی‌نوشتیم. هیچ وقت فکر نکرده‌ام نوشتن برایم کار ساده‌ای است؛ اما می‌توانم زمان‌هایی را به یاد آورم که خیلی راحت چند صفحه‌ای را، هر چه که بود یا می‌شد، سیاه می‌کردم. تا آن جا که بعضی وقت‌ها دچار این توهم می‌شدم که گویا مختصر استعدادی برای این کار دارم، اما حالا می‌بینم چقدر نوشتن برایم دشوار شده است. شاید به این دلیل که دیگر برای هیچ چیز پاسخی ساده و سرراست ندارم. شاید به این دلیل که اتفاقاتی که در جهان دارد می‌افتد چنان شگفت یا هول‌انگیزند که زبانم بند آمده است، شاید هم اصلاً دیگر حرفی برای گفتن ندارم، نمی‌دانم. چون بعضی وقت‌ها آدم‌ها خودشان متوجه حال و روزشان نمی‌شوند.

از هشت سال گذشته هفت سالش را عکاسی نکرده‌ام. چند نفر می‌دانند، چه اهمیتی دارد — همه آن‌هایی که کتاب‌های سال‌های اخیر مرا دیده‌اند می‌دانند جز یک استثنای کوچک که به خاطر دخترم احساساتی شده بودم، بقیه‌اش کارهایی متعلق به گذشته بوده که بعداً چاپ شده‌اند.

اما گویا فعالیت به عنوان نشانه‌ای از زنده بودن شناخته شده است. او آخر پاییز سال گذشته یکبارہ احساس کردم سکوت و انزوا دارد خسته‌ام می‌کند. و انگار دلم می‌خواهد کاری بکنم، چیزی بگویم؛ اما چه کاری، چه چیزی؟

۱. جزاره پاوره، گزینۀ شعرها، ترجمۀ کاظم فرهادی، فرهاد خردمند، نشر چشمه.

پس از کلنجار رفتن‌های بسیار یاد دوربینم افتادم، یاد سفرهایم، یاد آدم‌ها،
جر و بحث‌ها، متقاعد کردن‌ها، توضیح دادن‌ها، مثل دیوانه‌ها کار کردن‌ها، چیزهایی
که حالا دیگر توان و حوصله‌اش را ندارم. دیگر چه؟ خیلی چیزها و سرانجام، چاله
چوله‌های کنار جاده‌ها، چهار تانخ علف، یک بوته خار، تکه‌ای یخ، کمی برف، چهار
تکه لوله زنگ‌زده.

نتیجه: دو گزارش کوتاه از آن‌چه که از اواخر پاییز ۸۳ تا نوشتن این یادداشت از سر
گذرانده‌ام.

ن. کسرائیان